

پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بر اساس هوش معنوی و هوش اخلاقی در دانشجویان

* محمدرضا ذوقی پایدار

** زینب محمودی

*** صفدر نبی‌زاده

چکیده

هدف از مطالعه حاضر پیش‌بینی «جهت‌گیری مذهبی» بر اساس «هوش معنوی» و «هوش اخلاقی» در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان بود. روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع «همبستگی» است. گروه نمونه، ۳۶۰ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا بودند که به روش تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بود از «مقیاس جهت‌گیری مذهبی» آلپورت و راس (۱۹۵۰)، «مقیاس هوش معنوی» عبدالله‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) و «مقیاس هوش اخلاقی» لیک و کیل (۲۰۰۵)؛ برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد «هوش معنوی» با «جهت‌گیری مذهبی بیرونی» ارتباط معکوس و معنادار ($p < 0.01, r = -0.33$) و با «جهت‌گیری مذهبی درونی» ($p < 0.01, r = -0.28$) و «هوش اخلاقی» ($p < 0.01, r = -0.23$) ارتباط مثبت و معناداری داشت. همچنین نتایج نشان داد ترکیب مولفه‌های هوش معنوی و هوش اخلاقی، ۱۲ درصد واریانس جهت‌گیری مذهبی درونی را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج این پژوهش، توان پیش‌بینی هوش اخلاقی و هوش معنوی بر جهت‌گیری مذهبی درونی را تایید نمود.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، هوش اخلاقی، جهت‌گیری مذهبی، روانشناسی اسلامی، روانشناسی اخلاق

* استادیار گروه روانشناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)
** کارشناس روانشناسی عمومی دانشگاه بوعلی سینا همدان
*** کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه بوعلی سینا همدان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰

مقدمه

مذهب به عنوان یک نیروی روان‌شناختی مهم می‌تواند بر نتایج اعمال و کارکردهای زندگی افراد تأثیر بسزایی داشته باشد (اسمیت و اسنل^۱، ۲۰۰۹). مطالعه تاریخ بشر نشان می‌دهد که دین‌ورزی انسان قدمتی تاریخی دارد. دین به اندازه‌ای غنی، فراگیر و پیچیده است که جنبه‌های مختلف و متفاوت آن برای دیدگاه‌ها و نگرش‌های مختلف به گونه‌ای متفاوت جلوه می‌کند؛ اما آنچه مهم می‌باشد این است که هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر خالی از اعتقادات مذهبی نبوده است. اعتقادات دینی با زندگی انسان پیوند دیرینه دارند، این پیوستگی و نیز پیچیدگی این پدیده باعث شده تا انسان‌ها به جستجو درباره دین بپردازند و بدین ترتیب بتوانند روابط متقابل خود و دیگران را با دین بیشتر دریابند و از جایگاه خویش در جامعه و جهان هستی آگاهی کامل‌تری حاصل کنند (بهرامی احسان، ۱۳۸۳).

دین به عنوان عمیق‌ترین منبعی است که تمام موجودیت انسان در آن پرورش یافته و تمام موارد از جمله وحدت انسان با خداوند به آن وابسته است. آلپورت^۲ مذهب را به عنوان فلسفه وحدت‌بخش زندگی توصیف می‌کند و آن را یکی از عوامل مهم برای سلامت روان دانسته است. وی معتقد است نظام مذهبی، بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می‌کند؛ اما به این نکته نیز اشاره دارد که این طور نیست که همه افرادی که ادعای مذهبی بودن دارند، شخصیت سالمی دارند. از دیدگاه آلپورت این جهت‌گیری به دو صورت جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی است. جهت‌گیری مذهبی درونی، فراگیر، دارای اصولی سازمان‌یافته و درونی شده است که خود غایت و هدف است، نه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف. فردی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد با مذهبش زندگی می‌کند و مذهبش با شخصیتش یکی می‌شود. اما فردی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، مذهب با شخصیتش و زندگی‌اش تلفیق نشده است، برای او مذهب وسیله‌ای است که برای ارضای نیازهای فردی از جمله مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. آلپورت (۱۹۶۸) بر اهمیت رابطه بین مذهب درونی و سلامت روانی تأکید ورزیده و اعتقاد دارد که جهت‌گیری مذهبی درونی برخلاف

1. Smith & Snell

2. Allport

جهت‌گیری مذهبی بیرونی موجب سلامت روانی می‌شود (خوانین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴).

مسئله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت‌های فردی را در بین انسان موجب می‌شود، از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی انسان مورد توجه بوده است؛ اما از آغاز مطالعه هوش غالباً بر جنبه‌های شناختی آن مانند حافظه، حل مسئله و تفکر تأکید شده است. در حالی که امروزه نه تنها جنبه‌های غیرشناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بلکه در پیش‌بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد توجه واقع می‌شود. اما در دو دهه اخیر مفهوم هوش به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی^۱، هوش طبیعی^۲، هوش وجودی^۳، هوش معنوی^۴ و هوش اخلاقی^۵ گسترش یافته است (رجایی، ۱۳۸۹).

سازه هوش معنوی یکی از مفاهیم جذاب و بحث‌انگیزی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی پژوهشگران، صاحب‌نظران و به ویژه روان‌شناسان در حوزه دین و معنویت مطرح شده و توسعه پیدا کرده است. این مفهوم در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونس^۶ مطرح شد. به موازات آن، گاردنر^۷ مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشید (گاردنر، ۱۹۹۹). هوش معنوی بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و منابع معنوی است که کاربست آنها در زندگی روزانه می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود. در تعریف‌های موجود از هوش معنوی، به ویژه بر نقش آن در حل مسائل وجودی و یافتن معنا و هدف در اعمال و رویدادهای زندگی روزمره تأکید شده است (ولمن^۸، ۲۰۰۷). هوش معنوی، شامل نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و ... دربرمی‌گیرد. فرد را در جهت هماهنگی با

1. Emotional intelligence
2. Natural intelligence
3. Existential Intelligence
4. Spiritual Intelligence
5. Moral Intelligence
6. Stevens
7. Gardner
8. Wolman

پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. این هوش به فرد بینشی کلی در مورد زندگی و همه تجارب و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌سازد به چارچوب‌بندی و تفسیر دوباره تجارب خود بپردازد و نیز شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۵).

ایمونز^۱ (۲۰۰۰) معتقد است که معنویت می‌تواند شکلی از هوش تلقی شود؛ زیرا عملکرد و سازگاری فرد را پیش‌بینی و قابلیت‌هایی را مطرح می‌کند که افراد را قادر می‌سازد به حل مسائل بپردازند و به اهدافشان دسترسی داشته باشند.

هوش معنوی به زندگی درونی ذهن و ارتباط آن با هستی و وجود در جهان مربوط است. این هوش توانایی فهمیدن عمیق سؤالات معنوی و بینش درونی، آگاهی عمیق از جسم، روان و معنویت است. هوش معنوی بیشتر توانایی ذهنی فردی است و به فرد، روابط بین‌فردی و روان مربوط است. مفهوم هوش معنوی دربردارنده نوعی سازگاری رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی دربرمی‌گیرد که فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (زوه‌ر و مارشال^۲، ۲۰۰۰).

دلانی^۳ (۲۰۰۲) بر این باور است که معنویت و هوش معنوی در چارچوب نظریه‌های علمی مترادف با مذهب و دین نیست، بلکه یک سازه کلی و عمومی و ویژگی چندبعدی است که باعث آرمان‌گرایی، کیفیت‌گرایی و نگرش متمایزی به پدیده‌ها می‌شود. معنویت به عنوان یک هوش، درک روان‌شناسان را از مفهوم معنویت گسترش داده است و آنها را در درک ارتباط معنویت با فرایندهای شناختی منطقی مانند دستیابی به هدف و حل مسئله توانا می‌سازد (حسینی، الیاس، کراوس و عایشه^۴، ۲۰۱۰).

کینگ^۵ (۲۰۰۸) نیز هوش معنوی را به عنوان مجموعه ظرفیت‌های روانی که با آگاهی، انسجام و کاربرد جنبه‌های متعالی و معنوی غیرمادی وجود فرد سروکار دارند، تعریف می‌کند. او چهار مؤلفه برای هوش معنوی در نظر می‌گیرد:

1. Emmons
2. Zohar & Marshal
3. Delany
4. Krauss & Aishah
1. King

۱. تفکر وجودی انتقادی: در مورد موضوعاتی از جمله زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت، عدالت و دیگر موضوعات وجودی و اهداف شخصی از تجربیات یا ماورایی است.
۲. توانایی ایجاد معنای شخصی: اهداف شخصی از تجربیات و توانایی‌های ذهنی و جسمانی و به عبارتی زندگی براساس اهداف ایجاد شده.
۳. آگاهی متعالی: شامل توانایی شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی در خود، دیگران و جهان مادی است.
۴. گسترش آگاهی: شامل توانایی ورود به حالت‌های معنوی یا فراتر از هشیاری است.

از دیدگاه آمرام و درایر^۱ (۲۰۰۷) هوش معنوی، سازه معنویت و هوش را به صورت سازه جدیدی ترکیب کرده است. اما ناسل^۲ (۲۰۰۴) معتقد است هوش معنوی یک ترکیب ساده از سازه هوش و معنویت نیست؛ بلکه هوش معنوی از آمیختن توانایی‌ها و علائق معنوی، خصیصه‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی خاص و فرایندهای عصب‌شناختی به دست می‌آید.

هالاما و استریزنس^۳ (۲۰۰۴) اظهار کردند که توانایی برای یافتن معنای زندگی عنصری مهم در هوش معنوی است و این جنبه از هوش اساس باورها، ارزش‌ها، و ساختار اعتقادی زندگی ماست. هوش معنوی دسترسی انسان به معنا و ارزش و نیز استفاده از آنها را در شیوه اندیشیدن و تصمیم گرفتن فراهم می‌کند. این بعد از هوش به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند (لینتون و توجرسن^۴، ۲۰۰۹). گین و پورهیت^۵ (۲۰۰۶)، هوش معنوی را توانایی تجربه کردن می‌دانند که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی را فراهم می‌کند.

آنچه که در بررسی تعریف ارائه شده از این مفهوم آشکار است، تأکید صاحب‌نظران

2. Amram & Dryer

2. Nasel

3. Halama & Striznec

4. Lynton & Togerson

5. Gain & Purohit

بر کنش انطباقی هوش معنوی در زندگی روزمره است (ایمونز، ۲۰۰۰؛ نوبل^۱، ۲۰۰۱؛ ناسل، ۲۰۰۴). بخش زیادی از این کنش سازگارانه در نتیجه پاسخ به سؤالات وجودی و یافتن معنا و هدف در فعالیت‌ها و رویدادهای زندگی است. در واقع، داشتن معنا و هدف در زندگی وجه مشترک بیشتر این تعاریف می‌باشد و به نظر می‌رسد اصلی‌ترین ویژگی هوش معنوی نیز همین معنادار و هدفمند بودن است (کینگ، ۲۰۰۷).

هوش اخلاقی مفهومی جدید در عرصه علم است که لنیک و کیل^۲ (۲۰۰۵) آن را ابداع کردند. در واقع هوش اخلاقی ظرفیت ذهن افراد جهت تعیین این نکته مهم است که چگونه باید از اصول جهان‌شمول بشری در ارزش‌ها، اهداف و فعالیت‌های خودمان در زندگی استفاده کرد (لنیک و کیل، ۲۰۱۱).

بوربا^۳ (۲۰۰۵) اعتقاد دارد هوش اخلاقی به معنای تشخیص امور درست و نادرست و تشخیص امور اخلاقی جهان‌شمول است و ابعاد آن شامل درستکاری، مسئولیت، دلسوزی و بخشش می‌باشد (لنیک و کیل، ۲۰۰۵). درستکاری مشخصه اصلی شخصی است که از هوش اخلاقی برخوردار است. بدین معنا که هر وقت فرد با صداقت عمل می‌کند، رفتار و اعمال او نیز مطابق با اصول جهان‌شمول بشری است و می‌داند که کدام عمل درست است و چه کاری را باید انجام دهد و در چارچوب باورها و اصول اخلاقی خود زندگی می‌کند. مسئولیت یکی دیگر از ویژگی‌های مهم و کلیدی فردی است که از هوش اخلاقی برخوردار است. فردی که برای اعمال و کردار خود و نتایج احتمالی آن قبول مسئولیت کند، می‌تواند اطمینان دهد که اعمال و کردار او مطابق با اصول جهان‌شمول بشری است. دلسوزی یکی دیگر از خصوصیات حیاتی افرادی است که از هوش اخلاقی برخوردارند. دلسوزی برای دیگران نمایانگر احترام، توجه و مراقبت فرد برای دیگران است. بخشش یکی دیگر از ویژگی‌های مهم است، زیرا بدون تحمل اشتباه دیگران و رسیدن به این بینش که خود فرد هم شخصی کامل و عاری از اشتباه نیست، به احتمال زیاد با دیگران به صورت بسیار خشک و انعطاف‌ناپذیر رفتار خواهد کرد و از تعامل دوجانبه که منافع مشترک نیز در آن رابطه وجود دارد ناتوان خواهد ماند. در کل هوش اخلاقی شامل توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و

1. Noble

2. Lennick & Kiel

3. Borba

عمل به آنها است؛ همچنین می‌تواند مرز بین نوع دوستی و خودپرستی را خوب توصیف کند (لنیک و کیل، ۲۰۱۱).

درحقیقت، اخلاق و هوش اخلاقی به یکی از موضوعات عام در زمینه روان‌شناسی تبدیل شده است. امروزه هوش اخلاقی به واسطه تأثیرات وسیعش بر سایر حیطه‌ها مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. گرایش روزافزونی نسبت به مرتبط ساختن مشکلات اجتماعی به آموزش اخلاق و ارزش‌های اجتماعی و دینی در محیط‌های آموزشی وجود دارد. هوش اخلاقی به این نکته اشاره دارد که اصول اخلاقی حاصل وراثت نیست، بلکه افراد یاد می‌گیرند که چگونه خوب باشند. درحقیقت، هوش اخلاقی مانند یک راهنما برای رفتار عمل می‌نماید و کمک می‌کند تا ما اعمال هوشمندانه و بهینه‌ای داشته باشیم. بسیاری از رفتارهای انسان ریشه در اصول و ارزش‌های اخلاقی دارد و از آن متأثر می‌شود، افراد با هوش اخلاقی همیشه کارهایشان را با اصول اخلاقی پیوند می‌زنند که این خود موجب افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد و در نتیجه سبب بهبود سلامت معنوی افراد می‌شود (فلیتی و هارمان^۱، ۲۰۱۳).

در دین اسلام، اخلاق تا آن اندازه ارزشمند است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هدف از بعثت خود را اتمام مکارم اخلاقی می‌داند. با اندک تأملی در مفاهیم متعالی اسلامی می‌توان به ارتباط تنگاتنگ اخلاق و دین پی برد. از آنجا که دین و مذهب بر اهمیت توجه به مسائل انسانی و ارزشی از جمله عدالت، صداقت و نوع‌دوستی تأکید دارد و از سوی دیگر این مفاهیم اساساً وظیفه اخلاقی را در اجتماع برای ما به عنوان موجودی اجتماعی نمایان می‌کند، بین مضامین دین و اخلاق مشترکات زیادی را می‌توان یافت (کریمی، ۱۳۸۹). در مباحث معنوی کمک و دستگیری مستمندان در دین اسلام بسیار سفارش شده است. در واقع افراد با گرایش معنوی با آموزه‌های انسانی آشنایی دارند و خود را مقید می‌دانند، به طوری که در تصمیم‌های زندگی خود به مسائل انسانی بیشتر رجوع می‌کنند و براساس آن در زندگی خود عمل می‌کنند؛ از این‌رو، صافی مبانی معنوی تعیین‌کننده عمل آنها در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی و اخلاقی است. در نتیجه می‌توان چنین عنوان کرد که اخلاق و دین نه تنها با یکدیگر همپوشی دارند، بلکه در مواردی اخلاق می‌تواند مسائل و موضوعات خود را از دین و معنویت استخراج کند

1. Flite & Harman

(کرمی، ۱۳۸۶).

داشتن جهت‌گیری مذهبی در زندگی بسیار اهمیت دارد و تمامی ابعاد زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد یکی از عواملی که می‌تواند در جهت‌گیری مذهبی افراد نقش داشته باشد؛ هوش معنوی بوده که می‌تواند هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر با یک وجود مقدس را تسهیل یا افزایش دهد که از روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته و وارد حیطه شهودی و متعالی دیدگاه فرد به زندگی می‌شود. نیاز به معنویت به طور فطری در نهاد همه انسان هاست و آیه شریفه «فَطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» بیانگر فطرت توحیدی انسان است (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

در واقع، معنویت به عنوان یکی از ابعاد انسانیت شامل آگاهی و خودشناسی است و پیداست که نیاز بشر تنها با دستیابی به مادیات، رفاه و تجمل پاسخ داده نمی‌شود. به عبارتی، معنویت بعد جدانشدنی انسان است که به زندگی او رونق، معنا و حیات واقعی می‌بخشد (جعفری، ۱۳۸۸). در اسلام نیز معنویت عبارت است از درک ارتباط با وجودی متعالی که به کمک عمل به برنامه‌ای ویژه در مدت زندگی بر کره زمین حاصل شده و روز به روز شدت یافته و از او وجودی خاص می‌سازد که در عالم هستی مطلوبیت ذات داشته و با یاد خداوند تجلی می‌یابد (عبداله‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸).

درباره موضوع جهت‌گیری مذهبی و رابطه آن با متغیرهای دیگر تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده است: رابطه جهت‌گیری مذهبی با معنویت و کارکردهای عاطفی-اجتماعی (سال کوئیست و همکاران^۱، ۲۰۱۰)، رابطه آموزه‌های دینی و هوش اخلاقی (مژدگان و نجفی، ۱۳۹۰، نورزاد قراملکی و همکاران، ۱۳۹۰)، جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی (رفایی سعیدی، یکتا و مسعودی، ۱۳۹۳)، جهت‌گیری مذهبی با معنویت (گود، ویلوبی و باسری^۲، ۲۰۱۱، پیمان‌فر و همکاران، ۱۳۹۰).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مذهب دارای یک ارتباط مثبت با هوش معنوی است و افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی به دین و دینداری، به یک عامل اصلی برای احساس معنا داشتن در زندگی رسیده‌اند. بر این اساس وقتی فرد دیندار و مذهبی به شمار می‌آید

1. Sallquist & etall

2. Good, Willoughby, Busseri

که از درون یک احساس تعهد برای انجام اعمال مذهبی می‌کند و هدف او از انجام اعمال مذهبی، رضایت پروردگار است (آذربایجانی، ۱۳۸۵).

از جمله پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش مک‌فارلند^۱ (۲۰۰۹) اشاره کرد که به این نتیجه رسید افرادی که به مراسم مذهبی مقیدند، سلامت معنوی بالاتری دارند. به‌طور خلاصه، پژوهش‌ها گزارش کردند افراد با جهت‌گیری درونی نسبت به افراد با جهت‌گیری بیرونی از سلامت و هوش معنوی بالاتری برخوردارند (ویلیامز^۲، ۲۰۱۰؛ کانست و همکاران^۳، ۲۰۱۲؛ چو و همکاران^۴، ۲۰۱۳؛ بهرامی و حسنی، ۱۳۸۴؛ جان‌بزرگی، ۱۳۸۶؛ پاکیزه، ۱۳۸۷؛ عسگری و همکاران، ۱۳۸۸؛ عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۰).

در دو دهه گذشته روان‌شناسی دین و مطالعه موضوعات مفهومی، به طور فزاینده‌ای مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. بیشترین مطالعات صورت گرفته در این حوزه، پژوهش‌های مربوط به رابطه دین و معنویت با سلامت روان است. در بیشتر این مطالعات یک رابطه مثبت بین باورهای دینی و معنویت با سلامت روان افراد یافت شده است؛ اما مطالعات کمی در زمینه رابطه جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی و هوش اخلاقی انجام گرفته است. از این رو، در این پژوهش به مطالعه رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی و هوش اخلاقی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان پرداخته می‌شود و درصدد بررسی پرسش زیر هستیم:

ترکیب مؤلفه‌های هوش معنوی و هوش اخلاقی چند درصد از واریانس جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش

در پژوهش حاضر چون هدف پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی براساس هوش معنوی و هوش اخلاقی دانشجویان است، بنابراین روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ به تعداد ۹۵۷۵ نفر بودند که نمونه‌ای براساس جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) با توجه به حجم جامعه، به اندازه

1. McFarland
2. Williams
3. Kunst & et al
4. Chui & et al

۳۷۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. تعداد ۱۳ پرسشنامه ناقص بود و کنار گذاشته شد و در نهایت داده‌های ۳۶۰ نفر وارد تحلیل شد.

ابزار پژوهش

مقیاس جهت‌گیری مذهبی^۱: آلپورت و راس^۲ در سال ۱۹۵۰ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری بیرونی با درونی ۰/۲۱ است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). در ایران در پژوهش جان‌بزرگی (۱۳۷۸) پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد. این مقیاس ۲۱ سؤال دارد، سؤالات ۱ تا ۱۲ جهت‌گیری مذهبی بیرونی را می‌سنجد. سؤالات ۱۳ تا ۲۱ جهت‌گیری مذهبی درونی را اندازه‌گیری می‌کند. این مقیاس بر مبنای طیف لیکرت نمره‌گذاری می‌شود که دامنه آن از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است و به پاسخ‌ها نمره ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد (مختاری، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای بعد گرایش مذهبی درونی ۰/۸۱ و برای بعد گرایش بیرونی ۰/۷۸ و برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه هوش معنوی^۳: این پرسشنامه توسط عبداله‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) ساخته شد که دارای ۲۹ گویه است. در این مقیاس، پاسخ هر گویه با استفاده از مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. نمره هر مقیاس با جمع کردن نمره گویه‌های سازنده آن مقیاس به دست می‌آید، هر چه نمره آزمودنی در یک مقیاس بیشتر باشد، به میزان بیشتری دارای آن ویژگی است. عبداله‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) اعتبار کل پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کردند. همچنین افزون بر روایی صوری که با نظر متخصصان تأیید شد، همبستگی همه سؤال‌ها بالای ۰/۳۰ محاسبه شد. در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه هوش اخلاقی^۴: پرسشنامه هوش اخلاقی توسط لنینک و کیل (۲۰۰۵) ساخته شده است و شامل چهار سؤال که هر سؤال براساس یک مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای (هرگز، به ندرت، بعضی اوقات، بیشتر اوقات، همیشه) پاسخ داده می‌شود.

1. Religious orientation Scale

2. Ross

1. Spiritual Intelligence Inventory

2. Moral Intelligence Inventory

حداقل نمره ۴۰ و حداکثر ۲۰۰ می‌باشد و نمره بالاتر به معنای هوش اخلاقی بالاتر است. در پژوهشی روایی صوری و محتوایی پرسشنامه هوش اخلاقی توسط متخصصان تأیید شد و همچنین ضریب آلفای کرونباخ آن با ۰/۸۹ مورد تأیید قرار گرفت (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۱) در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه هوش اخلاقی ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته‌ها

دامنه سنی شرکت‌کنندگان پژوهش بین ۱۹ تا ۳۳ سال با میانگین ۲۲/۱۶ بود. ۱۸۵ نفر (۵۱٪) پسر و ۱۷۵ نفر (۴۹٪) دختر بودند. ۱۸۰ نفر (۵۰٪) افراد نمونه از رشته‌های انسانی، ۱۰۰ نفر (۲۸٪) از رشته‌های علوم پایه و ۸۰ نفر (۴۹٪) از رشته‌های فنی مهندسی بودند. جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان داده شده است.

جدول ۱. تعداد نمونه، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۳۶۰	۳۲/۵۳	۶/۷۴
جهت‌گیری مذهبی درونی	۳۶۰	۲۳/۳۹	۵/۱۴
هوش معنوی	۳۶۰	۱۱۶/۱۰	۱۷/۰۲
هوش اخلاقی	۳۶۰	۱۴۰/۵۴	۲۲/۷۹

چنان‌که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، جهت‌گیری مذهبی بیرونی با میانگین ۳۲/۵۳ و انحراف معیار ۶/۷۴ و جهت‌گیری مذهبی درونی با میانگین ۲۳/۳۹ و انحراف معیار ۵/۱۴ گزارش شده است. هوش معنوی با میانگین ۱۱۶/۱۰ و انحراف معیار ۱۷/۰۲ و هوش اخلاقی با میانگین ۱۴۰/۵۴ و انحراف معیار ۲۲/۷۹ است. در ادامه ضریب همبستگی بین هوش معنوی و هوش اخلاقی با جهت‌گیری مذهبی محاسبه شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱. جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۱			
۲. جهت‌گیری مذهبی درونی	-۰/۰۷۶	۱		
۳. هوش معنوی	-۰/۳۳۶**	۰/۲۸۱**	۱	
۴. هوش اخلاقی	۰/۰۱۰	۰/۲۳۴**	۰/۱۱۲*	۱

** $p < 0.01$ ، * $p < 0.05$

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، جهت‌گیری مذهبی بیرونی با هوش معنوی همبستگی معناداری دارد ($r = -0.333$, $p < 0.01$). جهت‌گیری مذهبی درونی با هوش معنوی ($r = 0.28$, $p < 0.01$) و هوش اخلاقی ($r = 0.23$, $p < 0.01$) دارای همبستگی معناداری است. هوش معنوی و اخلاقی نیز با هم ارتباط معناداری دارند ($r = 0.11$, $p < 0.05$).

سؤال پژوهش: ترکیب مؤلفه‌های هوش معنوی و هوش اخلاقی چند درصد از واریانس جهت‌گیری مذهبی را پیش‌بینی می‌کنند؟
در ادامه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی براساس هوش معنوی و هوش اخلاقی از تحلیل رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در ادامه آمده است.
الف) تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بیرونی براساس هوش معنوی و هوش اخلاقی به کار رفت که نتایج آن را در جدول‌های شماره ۳ و ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بیرونی

توسط هوش معنوی و هوش اخلاقی

مدل ۱	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ²	مجذورات تنظیم شده
رگرسیون	۲۵۱۲/۹۵۷	۲	۱۲۵۶/۴۷۹	۲۳/۳۰۶	۰/۰۱	۰/۳۴۰	۰/۱۱۵	۰/۱۱۱
باقیمانده	۱۹۲۴۶/۵۴۳	۳۵۷	۵۳/۹۱۲					
کل	۲۱۷۵۹/۵۰۰	۳۵۹						

جدول ۴. ضرایب مدل رگرسیون برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی بیرونی

بر اساس هوش معنوی و هوش اخلاقی

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل روش همزمان	
		ضرایب استاندارد شده	B خطای استاندارد		
۰/۰۱	۱۴/۸۸۱		۳/۱۸۷	۴۷/۴۳۱	مقدار ثابت
۰/۳۳۵	۰/۹۶۵	۰/۰۴۸	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	هوش اخلاقی
۰/۰۱	-۶/۸۲۴	-۰/۳۴۲	۰/۰۲۲	-۰/۱۵۲	هوش معنوی

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ و مقادیر به دست آمده ($F = ۲۳/۳۰۶$ ، $P < ۰/۰۱$) می‌توان گفت مدل معنادار است؛ بدین معنا که ترکیب هوش معنوی و هوش اخلاقی با هم می‌توانند میزان جهت‌گیری مذهبی بیرونی را در افراد پیش‌بینی کنند؛ اما این مقدار تنها ۱۱ درصد است. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که تنها هوش معنوی با ضریب بتای $-۰/۳۴۲$ - توانسته در پیش‌بینی واریانس جهت‌گیری مذهبی بیرونی نقش معناداری داشته باشد.

ب) تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درونی براساس هوش معنوی و هوش اخلاقی به کار رفت که نتایج آن را در جدول‌های شماره ۵ و ۶ مشاهده می‌کنید.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درونی

توسط هوش معنوی و هوش اخلاقی

مدل ۱	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R ²	مجذور R تنظیم شده
رگرسیون	۱۱۴۸/۴۷۰	۲	۵۷۴/۲۳۵	۲۴/۴۸۸	۰/۰۱	۰/۳۴۷	۰/۱۲۱	۰/۱۱۶
باقی‌مانده	۸۳۷۱/۳۹۴	۳۵۷	۲۳/۴۴۹					
کل	۹۴۱۹/۸۶۴	۳۵۹						

جدول ۶. ضرایب مدل رگرسیون برای پیش‌بینی جهت‌گیری مذهبی درونی

بر اساس هوش معنوی و هوش اخلاقی

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل روش همزمان	
		ضرایب استاندارد شده	B خطای استاندارد		
۰/۰۱	۴/۱۷۲		۲/۱۰۲	۸/۷۷۱	مقدار ثابت
۰/۰۱	۵/۱۶۵	۰/۲۵۸	۰/۰۱۵	۰/۰۷۶	هوش معنوی
۰/۰۱	۴/۱۱۵	۰/۲۰۶	۰/۰۱۰	۰/۰۴۳	هوش اخلاقی

با توجه به نتایج جدول شماره ۵ و مقادیر به دست آمده ($F= ۲۴/۴۸۸$ ، $P=۰/۰۱$) می‌توان گفت مدل معنادار است؛ بدین معنا که هوش معنوی و هوش اخلاقی می‌توانند میزان جهت‌گیری مذهبی درونی را در افراد پیش‌بینی کنند؛ اما این مقدار تنها ۱۲ درصد است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که هوش معنوی با ضریب بتای $۰/۲۵۸$ و هوش اخلاقی با ضریب بتای $۰/۲۰۶$ در پیش‌بینی واریانس جهت‌گیری مذهبی درونی نقش معناداری داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین رابطه جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی و هوش اخلاقی انجام شد. یافته‌ها نشان داد میان جهت‌گیری مذهبی درونی با هوش اخلاقی و هوش معنوی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. هوش معنوی و هوش اخلاقی توانستند ۱۲ درصد از واریانس جهت‌گیری مذهبی درونی را پیش‌بینی کنند. این یافته با نتایج سعیدی و همکاران (۱۳۹۳)، گود و همکاران (۲۰۱۱)، اسمیت و اسنل (۲۰۰۹) همخوان است.

در تبیین ارتباط بین هوش اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی درونی می‌توان طبق نظریه لیک و کیل (۲۰۱۱) چنین استدلال کرد که هوش اخلاقی شامل عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها، باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای حق، مسئولیت‌پذیری برای تصمیم‌های شخصی، اقرار به اشتباه‌ها و شکست‌ها، پذیرش مسئولیت برای خدمت به دیگران، علاقه‌مند بودن و اهمیت دادن به دیگران، توانایی در بخشش اشتباه خود و دیگران است. وجود این ویژگی‌های اخلاقی در افراد با برخی ویژگی‌های جهت‌گیری مذهبی درونی از نظر آلپورت همسو است. از نظر آلپورت مذهب طیفی است که از یک‌سو برای افراد معنایی ابزاری دارد و از سوی دیگر نوعی معنا و معنایابی است که خود انگیزه اصلی زندگی است و ارزش درونی دارد و به دیگر محرک‌ها نیازی ندارد. با توجه به این تقسیم‌بندی، فرض آلپورت این بود که مذهب درونی به شکل ابزاری نیست، بلکه یک تعهد همه‌جانبه است. این تعهد افزون بر اینکه هوشمندانه است، اساساً انگیزشی است. بعد درونی مذهب جایگاهی برای حقایق علمی و عاطفی، مشتاق تعهد به یک وحدت‌یافتگی ایده‌آل و پای‌بندی به اصول و ارزش‌ها در زندگی شخصی است. او معتقد بود که تنها مذهب با جهت‌گیری درونی است که سلامت روانی را

تضمین می‌کند (آپورت، ۱۹۶۸). چنانکه مشاهده شد اصول زیربنایی هوش اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی درونی از لحاظ نظری با همدیگر همپوشی دارند و نتایج پژوهش نیز این ارتباط را تأیید کردند.

در تبیین ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی درونی با هوش معنوی می‌توان گفت انسان همواره درصدد دستیابی به هدف و معنای زندگی است. جستجوی هدف نهایی حالتی ماورایی به وجود می‌آورد و انسان را در مسیر تکامل و یگانگی با جهان هستی قرار می‌دهد. بنا بر نظر کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی، زمینه‌ساز انسان برای رسیدن به هدف نهایی است؛ بدین معنا که فرد بتواند فراتر از خود و جهان مادی را درک کند تا بر ضعف‌های وجود خویش غلبه نماید. این سطح از هوش دربرگیرنده استعدادها و مهارت‌هایی برای برقراری ارتباط با منشأ همه موجودات، ماهیت وجود و یکپارچه شدن با تمام هستی است. اینجاست که ارتباط بعد مذهب درونی و هوش معنوی مطرح می‌شود، در واقع هوش معنوی و بعد درونی مذهب ریشه در سرشت آدمی دارند و هر دو در پی شناخت حقیقت و ماهیت جهان هستند. معنویت و مذهب برای هدایت و پرورش انگیزه و اشتیاق درونی انسان به کشف حقیقت، مؤلفه‌های مشترکی مانند خودآگاهی، حقیقت‌جویی، معنایابی و حس پرستش را مورد استفاده قرار می‌دهند. در کل می‌توان گفت سازه‌های هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی درونی با هم شاخصه‌های مشترکی دارند که پژوهش‌های تجربی دنبال شناسایی و درک بیشتر همپوشانی این سازه‌ها هستند. نتایج این پژوهش نیز ارتباط بین این سازه‌ها را تأیید کرد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که هوش معنوی با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ارتباط معکوس و معناداری دارد. براساس نظر آپورت فردی که جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد، مذهب با شخصیتش و زندگی‌اش تلفیق نشده است، برای او مذهب وسیله‌ای است که برای ارضای نیازهای فردی از جمله مقام و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، این افراد از مذهب استفاده ابزاری می‌کنند و این دیدگاه با ویژگی‌های هوش معنوی از قبیل واقع‌بینی، عدالت، شناسایی ابعاد متعالی و ماورایی، کل‌نگری و دنبال معنا و هدف بودن در تعارض است. نتایج این پژوهش نیز مبنای نظری در این زمینه را تأیید می‌کند. از جمله محدودیت‌های این مطالعه تمایل نداشتن

بعضی از دانشجویان به پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه‌ها بود. با توجه به اینکه بین سازه‌های هوش معنوی، هوش اخلاقی و جهت‌گیری مذهبی ارتباط معنادار به دست آمد و این سازه‌ها نیز قابلیت ارتقا از راه آموزش را دارند، پس به متولیان امر آموزش پیشنهاد می‌شود با آموزش به تقویت نظام باورهای دانشجویان پردازند و آنها را در دستیابی به معنای زندگی و داشتن دیدگاهی کل‌نگر همراه با اصول اخلاقی یاری دهند. با توجه به وجود ارتباط بین دین و معنویت و درهم‌تنیدگی این دو مفهوم از پیامدهای استفاده از هوش معنوی که نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و... دربرمی‌گیرد، می‌توان اسفاده کرده و از این راه افراد را به شناخت و معرفت عمیق نسبت به هستی رهنمون ساخت که این خود موجب گرایش‌های مذهبی درونی و عمیق می‌شود. همچنین از راه آشنایی با آموزه‌های اخلاقی و دینی در مباحث اسلامی، آموزش اخلاقیات و رعایت اصول اخلاقی در تربیت افراد می‌توان به رشد هوش اخلاقی و نیز پایبندی بیشتر به تعهدات مذهبی دست یافت. برای رشد و تقویت هوش معنوی و اخلاقی از دیدگاه آموزه‌های دین اسلام می‌توان به تفکر درباره آیات و نشانه‌های خداوند در گستره هستی، توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او، توجه به نعمت‌ها و الطاف خدا نسبت به انسان، انجام نیکی‌ها و دوری از بدی‌ها، تفکر درباره هدف خلقت، جستجوی معانی بنیادی موقعیت‌ها و پرسیدن سؤالات چرایی و جستجوی ارتباط بین رویدادها اشاره کرد.

همچنین با توجه به اینکه هوش معنوی و جهت‌گیری مذهبی می‌تواند متأثر از شرایط اقتصادی، خانوادگی و فرهنگی باشد، پیشنهاد می‌گردد. در پژوهش‌های آتی این عوامل در ارتباط با متغیرهای پژوهش حاضر در نظر گرفته شوند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵)، تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام. چ ۲، قم: زیتون.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۳). «ابعاد رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی»، مجله روان‌شناسی، دانشگاه تهران، ش ۶۹.
- بهرامی، محمد امین و همکاران (۱۳۹۱)، «سطح هوش اخلاقی اعضای هیات علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، س ۵، ش ۶، ص ۸۸-۷۵.
- پاکیزه، علی (۱۳۸۷)، بررسی مقایسه‌ای سلامت روانی دانشجویان و تأثیر فعال‌سازی مفهوم معنویت بر آن. مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، شیراز، دانشگاه شیراز.
- پیمانفر، الیکا، علی‌اکبری دهکردی، مهناز و محتشمی، طیبه (۱۳۹۰)، مقایسه احساس تنهایی و احساس معنا در زندگی سالمندان با سطوح نگرش مذهبی متفاوت، س ۵، ش ۴، ص ۴۱-۵۲.
- جان‌بزرگی، مسعود و علی‌محمدی، کاظم (۱۳۸۶)، «بررسی رابطه بین شادکامی و جهت‌گیری مذهبی و شادکامی روان‌شناختی و افسردگی در دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی(ره)»، فصلنامه علمی تخصصی روان‌شناسی و دین، س ۱، ش ۲.
- جعفری، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی (درونی- بیرونی) با شیوه‌های مقابله با استرس در دانشجویان»، مجله علوم رفتاری، س ۳، ش ۴.
- خداپناهی، محمدکریم و خاکسار، محمدعلی (۱۳۸۴)، «بررسی جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، س ۹، ش ۶.
- خوانین‌زاده، مرجان (۱۳۸۴)، «مقایسه سبک دلبستگی دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی»، مجله روان‌شناسی، س ۹، ش ۳.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۹)، «هوش معنوی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، ش ۲۲، بهار.
- رفایی‌سعیدی، نسرين، یکتا، منینا و مسعودی، شاهد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی، کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم: مرکز راهبری مهندسی فرهنگی شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر.
- سیادت، علی، مختاری‌پور، مرضیه (۱۳۸۷)، «بررسی مقایسه‌ای هوش اخلاقی و رهبری تیمی از دیدگاه برخی دانشمندان و اسلام»، علوم انسانی دانشگاه امام حسین(ع)،

تعلیم و تربیت اسلام، س ۱۷، ش ۹.

عارفی، مختار و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۰)، «ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی، سلامت روان و جنسیت» مجله تحقیقات زنان، س ۵، ش ۳، ص ۱۲۶-۱۴۱.

عبداله‌زاده، حسن، باقرپور، معصومه، بوژمهرانی، سمانه و لطفی، محدثه (۱۳۸۸)، هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن)، تهران: انتشارات روان‌سنجی.

عسکری، پرویز و همکاران (۱۳۸۸)، «رابطه اعتقادات مذهبی و خوش‌بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، س ۱۰، ش ۱، ص ۲۷-۳۹.

غباری‌بناب، باقر و همکاران (۱۳۸۶). «هوش معنوی»، فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.

مختاری. عباس، الهیاری. عباسعلی و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۸۰)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با میزان تنیدگی»، مجله روان‌شناسی، س ۵، ش ۱۷، ص ۵۶-۶۷.

مژدگان، سپیده و نجفی، مینا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه آموزه‌های دینی توسط والدین با پرورش هوش اخلاقی کودکان سنین ۶ تا ۱۲ سال شهر تهران». اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران: پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت.

https://www.civilica.com/Paper-INCE01-INCE01_032.html

نورزاد قراملکی، فاطمه و همکاران (۱۳۹۰)، «رابطه هوش معنوی با شیوه‌های مقابله مذهبی در دانشجویان دانشگاه تبریز»، اولین همایش ملی یافته‌های علوم شناختی در تعلیم و تربیت.

- Allport, G.W & Ross, J.M.(1967), personal religious orientation and Prejudice, *Journal of personality and social psychology*, 5 (423 – 443).
- Allport , G.W. (1968), *The personal psychology*, beacon press.
- Amram, Y., & Dryer, C. (2007), *The development and preliminary validation of the Integrated Spiritual Intelligence Scale (ISIS)*. Palo Alto, CA: Institute of Transpersonal Psychology Working Paper. Retrieved at: <http://www.geocities.com/isisfindings>.
- Borba, M. (2005), *The step by step plan to building moral intelligence, Nurturing kids heart and souls*, National educator award, national council of self- esteem, Jossey bass.
- Chui, W. H, & et al. (2013), *Spirituality and punitiveness: An exploration of Christian, Buddhist, and non-religious attitudes towards crime*, *International Journal of Law, Crime and Justice*, v. 41 (1), p. 1-15.
- Delaney, M. (2002), *The Emergent Construct of Spiritual Intelligence: The Synergy of Science and Spirit*, Unpublished doctoral dissertation,

Arizona State University

- Emmons, R. (2000), Spirituality and intelligence: Problems and prospects, *International Journal for the Psychology of Religion*, 10 (1), 57-64.
- Flite, CA. Harman, LB. (2013). Code of ethics: Principles for ethical leadership. 40-5.
- Gain, M. and Purohit, P.(2006): Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens, *journal of the Indian Academy of Applied psychology*, 32 (3), 227- 233.
- Gardner, H, 1999, *Intelligence reframed: Multiple Intelligence for the new millennium*, New York, Basic Books.
- Good, M., Willoughby, T., & Busseri, M. A. (2011), Stability and change in adolescent spirituality/religiosity: a person-centered approach. *Developmental Psychology*, 47, 550–583.
- Halama, P. and Strizenec, M., (2004), ‘Spiritual, Existential, Theoretical Considerations on the Nature of Higher Intelligences’, *Studia Psychologica*, Vol. 46.
- Hosseini, M., Elias, H., Krauss, S.E. & Aishah, S. (2010), A review study on spiritual intelligence, adolescence and spiritual intelligence, factors that may contribute to individual differences in spiritual intelligence and the related theories, *Journal of Social Sciences*, 6(3): 429-438.
- Karami, MH. (1386), Ideal moral framework in Khamseh amir khosro Dehvlavi. *Journal of Persian Literature and Language*, (5):16-27.
- King D.B., (2008), Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure, Unpublished master’s Dissertation. Toronto University, Canada.
- King, D. B. (2007), *The Spiritual Intelligence Project*, Toronto University, Canada. [www.dbking.net/spiritual intelligence](http://www.dbking.net/spiritual%20intelligence).
- Kunst, J. R, & et al. (2012), Coping with Islamophobia: The effects of religious stigma on Muslim minorities’ identity formation, *International Journal of Intercultural Relations*, v. 36 (4), p. 518-532.
- Lennick, D & Kiel, F. (2005), *Moral intelligence*, Pearson education, inc. prentice hall, Isbn.
- Lennick, D & Kiel, F. (2011). *Enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. Pearson education, inc. prentice hall. Isbn.
- Lynton, N. and Kirsten H. T., (2009), ‘Spiritual Intelligence and Leadership in the China Laboratory’, *Business Ethics*, Vol. 2, No. 1.
- Martin, D. E. & B. Austin. (2010), Validation of the Moral Competency Inventory Measurement Instrument: Content, Construct, Convergent and Discriminate Approaches. *Management Research . Review*. Vol. 33 Iss: 5. pp. 437 – 451.
- McFarland, Michael. J. (2009), *Religion and Mental Health Among Older Adults: Do the Effects of Religious Involvement Vary by Gender?* Department of Sociology, University of Texas, Austin, TX 78705.

- Nasel, D. D. (2004), *Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality*. Thesis submitted for the degree of Ph. D in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.
- Noble, K. D. (2001), *Riding the wind horse: Spiritual intelligence and the growth of the self*, New Jersey: Hampton Press.
- Sallquist, J., Eisenberg, N., French, D. C., Purwono, U., & Suryanti, T. A. (2010), Indonesian adolescents' spiritual and religious experience and their longitudinal relations with socio emotional functioning. *Developmental Psychology*, 46, 699–716.
- Smith, C., & Snell, P. (2009), *Souls in transition: the religious and spiritual lives of emerging adults*. New York, New York: Oxford University Press.
- Wigglesworth, Cindy. (2004), *Spiritual intelligence and why It Matters*. The Inner words Messenger, A Newsletter to Spark the Inner Journey. Retrieved from internet: www.consciouspursuits.com.
- Williams, A. (2010), *Spiritual therapeutic landscapes and healing: A case study of Students*. Anne de Beaupre, Quebec, Canada, *Journal of Social Science & Medicine*, v. 70 (10), p. 1633- 1640.
- Wolman, R, N. (2007), *Spiritual quotient questionnaire*, Retrieved from internet: www.consciouspursuits.com.
- Zeng, Y. (2011), Association of religious participation with mortality among Chinese old adults. *Research on Aging*, 1: 51-83.
- Zohar, D. & Marshall, I. (2000), *SQ: Spiritual intelligence, the ultimate intelligence*, London: Bloomsbury.